مرزهای شکننده میان تهدید و فرصت

خرم، علی

بررسی روند پرونده هسته‏ای در سال 1386 مرزهای شکننده میان تهدید و فرصت‏11

شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه 1747 در سوم فروردین 1386 نشان داد که قصد دارد با صبر و حوصله قطعنامه‏های تحریم را علیه ایران یکی پس از دیگری و با مهلت 60 روزه به تصویب رساند.جمهوری‏ اسلامی ایران نیز مشخص کرد که قصد دارد در مقابل این‏ قبیل قطعنامه‏ها خونسردی پیشه و صادر کنندگان قطعنامه‏ را خسته و منصرف کند.

ظاهرا برداشت غرب این است که ایران به لحاظ هسته‏ای‏ چنان پیشرفته نیست که بتواند در کوتاه مدت،برای مثال‏ ظرف یکی دو سال،با ساخت سلاح هسته‏ای مشکل‏ امنیتی ایجاد کند؛لذا می‏توان در انتظار تاثیر تحریم‏ها بر سیستم مالی و اقتصادی ایران بود.

ایران،به نوبه خود،به دو دلیل درصدد ارتقاء دانش و فناوری هسته‏ای خود به سطحی است که نخست غرب‏ متقاعد شود کشورمان بر دشواری‏های ایجاد چرخه‏ سوخت فائق آمده است و دوم،با تولید و انباشت سوخت‏ در مراکز هسته‏ای همچون نطنز،اصفهان و بوشهر،این‏ سایت‏ها را در قبال هر گونه حمله نظامی و نشست یا انفجار مواد رادیو اکتیو مصون سازد.

در این ارتباط جمهوری اسلامی ایران در 23 فروردین، به عنوان روز فناوری هسته‏ای جشن بزرگی بر پا کرد و بهره‏برداری از 3 هزار سانتریفیوژ را اعلام کرد.قرار بود این‏ دستاورد در 22 بهمن 85 اعلام شود،اما در عمل نتیجه‏ مورد نظر به دست نیامد و از همین رو اعلام کار به تاخیر افتاد.اما این خبر در جامعه جهانی با واکنش‏های متفاوتی‏ روبه‏رو شد.کشورهای غربی فاصله زمانی اعلام تکمیل‏ و راه‏اندازی دو زنجیره تا 18 زنجیره سانتریفوژ را از نظر فنی طبیعی ندانسته،دور از واقعیت ارزیابی کردند.در این‏ میان روسیه،یعنی شریک استراتژیک ایران،نیز واکنش‏ نامناسبی نشان داد.کمتر از یک هفته بعد از اعلام خبر هسته‏ای،معاون سازمان انرژی اتمی رسما بازرسان‏ آژانس را به نطنز دعوت کرد تا طرح عملیاتی هشت سیکل‏ را در اختیار آنا قرار دهد و تأیید آژانس را درباره آن اخذ کند.به عبارت دیگر آژانس هنوز در مرحله انتظار تأیید دسترسی ایران به هشت سیکل است.

این امر به واکنش‏های تردیدآمیز جهان نسبت به ورود ایران به مرحله صنعتی و عبور از دوره پایلوت،یعنی 18 سیکل و 3000 سانتریفیوژ،دامن زد و یک بار دیگر به غرب‏ اطمینان داد که سرعت رشد صنعتی ایران در زمینه هسته‏ای‏ در همان محدوده قابل انتظار است.

در همین ایم با تماس تلفنی میان مسئول سیاست‏ خارجی اتحادیه اروپا با تماس تلفنی میان مسئول سیاست‏ خارجی اتحادیه اروپا و دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، مقرر گردید جلسه‏ای در آنکارا برای ارزیابی امکان شروع‏ مذاکرات برگزار شود.قبل از برگزاری این جلسه،اتحادیه‏ اروپا در نشست وزرای خود،برنامه تحریمی وسیع‏تری‏ را نسبت به قطعنامه‏های 1737 و 1747 علیه ایران تصویب‏ کرد.این اقدام حاکی از فشار آمریکا بر اتحادیه و نشانه‏ همکاری نزدیک اروپا با آمریکاست.

جلسه آنکارا برگزار گردید و پس از دو روز،دبیر شورای عالی امنیت ملی رضایت کامل خود را از مذاکرات‏ ابراز کرد.در مقابل،مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا انجام ملاقات دیر هنگام را میان طرفین امری مثبت دانست، درباره اینکه چرا طرف اروپایی برای جلسه آنکارا و آغاز احتمالی مذاکرات از خود علاقه نشان داده است تعابیر گوناگونی وجود دارد.برخی صاحب‏نظران در ایران علت‏ امر را موفقیت کشورمان در راه‏اندازی 1312 سانتریفیوژ دانسته‏اند،اما در خارج دو تحلیل مطرح است:

نخست اینکه غربی‏ها بر این گمانند که اکنون کشورمان، پس از صدور دو قطعنامه 1737 و 1747،واقع گراتر شده‏ و آماده یافتن راه‏حلی برای خروج از تنگنای هسته‏ای‏ است.غربی‏ها چنین استدلال می‏کند که گرچه ایران‏ توانسته است نزدیک به 3000 سانتریفیوژ را روشن کند، ولی این سانتریفوژها در مدارهای سری و موازی با یکدیگر کار نمی‏کنند.در عین حال درست است که بر اساس‏ اسنادی که از سوی ایران به آژانس ارائه گردیده 1312 سانتریفیوژ در مدار قرار گرفته‏اند،اما گاز UF6 یا اساسا به‏ این مجموعه تزریق نشده یا میزان آن به حدی کم بوده است‏ که در عمل به نوعی معنای تعلیق غنی‏سازی را تداعی‏ می‏کند.آن‏ها اظهار می‏دارند ایران از یک طرف جشن‏ هسته‏ای برپا کرده است تا مردم را به دستاوردهای هسته‏ای‏ دلگرم کند و از طرف دیگر وضعیتی به وجود آورده تا معنای تعلیق را مبنای کار مذاکرات با اروپا قرار دهد.

تحلیل دوم این است که نگرش آمریکا نسبت به ایران‏ سرانجام تغییر یافته است.بر اثر این تغییر و به دلایل فنی، ایالت متحده دو راهکار حمله نظامی و تغییر رژیم را کنار گذاشته و راهکار تعامل همراه با احتیاط را در پیش گرفته‏ است.بر اساس این تحلیل ایالات متحده به اروپا چراغ سبز نشان داده است که با عدول از مواضع پیشین،یک بار دیگر تعامل با ایران را آزمایش کند.نتیجه احتمالی‏ تحلیل دوم این است که غرب می‏تواند با کار چرخه محدودی سانتریفیوژ ایران(در حد 1000 سانتریفیوژ)کنار بیاید،به شرط آنکه فعالیت‏ هسته‏ای ایران در حد تحقیقاتی باقی بماند و سوخت خود را کماکان از طریق کنسرسیوم‏های بین‏المللی تهیه کند.البته‏ آمریکایی‏ها اتخاذ چنین موضعی را به طور رسمی مردود دانسته‏اند،اما جناح‏های بیرون کاخ سفید آمادگی خود را برای پذیرش این امر اعلام کرده‏اند.

به هر روی مهلت پیش‏بینی شده برای ایران در قطعنامه‏ 1747 سوم خردادماه جاری به پایان می‏رسد و دو طرف‏ در تلاش‏اند تا سازوکاری بین‏المللی برای خروج از بن‏بست هسته‏ای اندیشیده شود.آمریکا همچنان بر شورای امنیت فشار می‏آورد که قطعنامه بعدی را تصویب‏ کند.از سوی ایران نیز تلاش‏های لازم برای جلوگیری از تأثیرات سوء تحریم‏ها در جریان است.

دست‏اندرکاران برای چاره‏جویی راه‏حل‏های مختلف را در بخش‏های مالی و صنعتی و تجارت خارجی مورد توجه‏ قرار داده‏اند که توانسته است تا حدی جلوی بروز برخی‏ مشکلات را بگیرد ولی این کار نمی‏تواند پایدار باشد.

آن گونه که از فضای بین‏المللی استنباط می‏شود اکنون‏ موقعیت دیپلماتیک تازه‏ای برای حل بحران هسته‏ای ایران‏ قصد دارد با واقع گرایی از آن بهره‏برداری کند.بر اساس‏ تحلیل‏هایی هیات حاکمه آمریکا قصد دارد سیاست خود مبنی بر حمله نظامی به ایران را فعلا کنار بگذارد و بیشتر با اجماع بین‏المللی پیش برود.به همین دلیل سیاست‏ صدور قطعنامه و جلب نظر جامعه بین‏الملل دیپلماسی‏ آمریکا شده است.به هر روی شرایط مثبت کنونی می‏تواند فرصتی مناسب باشد.از این فرصت باید استفاده کرد.